

بررسی میزان تأثیر پایگاه اجتماعی دهیاران بر عملکرد آنان (مطالعه موردی: دهستان حسن آباد - اسلام آباد غرب)

فرامرز بریمانی^۱: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
جواد بذرافشان: استایار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
بهمن شفیعی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

عوامل متعددی در کارآمدی دهیاران مؤثر است، یکی از این عوامل پایگاه اجتماعی آنان است. در این پژوهش پایگاه اجتماعی دهیاران در سه بعد سن، سواد و منزلت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق به لحاظ هدف توصیفی - تحلیلی است. بنا به ماهیت داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس (*Anova*) استفاده گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است که روایی آن توسط تعدادی از متخصصان این حوزه و پایایی گویه‌ها نیز با آلفای کرونباخ سنجیده شد. جامعه آماری شامل ۱۱ روستای بالای ۵۰ خانوار با ۱۵۳۷ خانوار است که از طریق فرمول کوکران ۲۶۷ سرپرست خانوار به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که: بین عملکرد و سن دهیاران تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ بدین معنی که دهیاران در گروه‌های سنی ۴۰ - ۳۰، نسبت به بقیه گروه‌های سنی عملکرد بهتری (بیشتری) داشته‌اند. همچنین بین عملکرد و سواد دهیاران نیز تفاوت معنی‌داری وجود دارد. دهیاران دارای مدرک لیسانس نسبت به بقیه دهیاران با مدرک پایین‌تر از لیسانس موفق‌تر بوده و عملکرد بیشتری داشته‌اند، اما بین عملکرد و منزلت اجتماعی (لایه‌های پایین، متوسط و بالا) دهیاران نسبت دو شاخص فوق (سن و سواد)، تفاوت معنی‌داری کمتر مشاهده شده است، با وجود آن دهیارانی که به لحاظ منزلت اجتماعی در لایه‌های متوسط جامعه قرار دارند؛ در قیاس با دیگر لایه‌ها عملکرد بهتر (بیشتر) داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت روستایی، پایگاه اجتماعی، عملکرد دهیاران، دهستان حسن آباد، اسلام آباد غرب.

بیان مسأله:

در سال ۱۳۳۵ ه.ش حدود ۶۸ درصد از جمعیت ۱۹ میلیونی کشور در نواحی روستایی (نقاط روستایی و عشایری) زندگی می‌کردند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸:۲۸۶)، که در اثر تغییر و دگرگونی سهم این جوامع در سال ۱۳۹۰ به کمتر از ۳۰ درصد از جمعیت ۷۵ میلیون نفر کاهش یافت. عوامل متعدد و در پیوند با هم در این سیر قهقراپی مؤثر بوده‌اند که یکی از این عوامل مدیریت محلی است (حقیقی، ۱۳۷۸:۵). از این‌رو، روستاها به مثابه نخستین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسانها از سازمان اجتماعی و مدیریت بهره‌مند بوده‌اند (طالب، ۱۳۷۶: ۵). هر چند که برای نخستین بار پدیده کدخدا یا گتخدا که از قرن‌ها قبل وجود داشت جنبه قانونی پیدا کرد و مورد تأیید قرار گرفت (همان: ۷). در سال‌های میانی دهه ۱۳۳۰، با تصویب قانون مربوط به بنگاه عمرانی کشور است، در این قانون ترکیب انجمن ده و در واقع انجمن عمران ده مشتمل بر گروه پنج نفری شامل نماینده مالک، نماینده زارع، کدخدا، و دو تن از معتمدان محلی - بر اساس اعتماد میان اهالی ده و نمایندگان مالک و زارع، پیش‌بینی شده بود، لیکن به نظر می‌رسد کارشناسان آن دوره با عنایت به برنامه‌ها و اهداف آن، همچنین عدم موفقیت در رسیدن به اهداف بویژه بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی، مشارکت اقشار از مالک، مباشر، کدخدا، ریش سفیدان و مردم را بر مدیریت واحد (کدخدا) ترجیح داده بودند، که گامی به سوی خرد جمعی و شورایی بود. این تجربه از یک سو و جهت‌گیری اولیه انقلاب در طرح مدیریت شورایی از سوی دیگر زمینه‌ساز پارادیم مدیریت نوین روستایی (شوراها) گردید. در نتیجه طبق اصل یکمدم قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸/۵/۲۸ مدیریت روستایی به شوراها واگذار شد (معاونت امور دهیاری‌ها، ۱۳۸۴: ۱۹). متعاقب آن مجلس شورای اسلامی «قانون تشکیلات شورای اسلامی کشوری» را در سال ۱۳۶۱ و قانون انتخابات آن را در سال ۱۳۶۵ به تصویب رساند (وزارت جهادسازندگی، ۱۳۷۵: ۳). در سال ۱۳۷۷ نیز قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور به تصویب رسید و با الگوبرداری از مدیریت شهری که مشتمل بر دو نهاد شورای شهر و شهرداری است، به وزارت کشور اجازه داده شد تا به منظور اداره امور روستاها و توسعه پایدار روستایی سازمانی به نام دهیاری با توجه به ویژگی‌های محل و با درخواست اهالی، به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل در روستاهای بالای ۲۰ خانوار که بالغ بر ۳۵ هزار روستا در کشور است، تأسیس نماید (بدری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵). از منظر دیگر می‌توان گفت این اقدام نوعی گذار از دولت به سوی فرایندهای نوین اداره نواحی روستایی یعنی حکمروایی در مناطق روستایی مطرح است که مرز بین حکومت و جامعه مدنی به شمار می‌آید (بدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۹). در روند این جابجایی نکته مهم اینجاست، که در آخرین دوره کدخدایی، جامعه روستایی دارای سه منبع اصلی قدرت بود که در مجموع با پیشرفته‌ترین اصول مدیریت علمی (مدیریت ارگانیکی) سازگاری ویژه‌ای دارد. منابع سه گانه قدرت کدخدا عبارت بودند از:

۱- مشخصات فردی و خانوادگی او؛

۲- قدرت اقتصادی؛

۳- قدرت اجرایی (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۹۹-۹۵ و طالب، ۱۳۷۱: ۷۹).

حسینی ابری ضمن برشمردن بیست مشخصه فردی و خانوادگی کدخدا، بر این باور است مدیر روستا نمی‌توانست فاقد قدرت اقتصادی باشد و شکست نهادهای مدیریتی بعد از اصلاحات ارضی در اداره امور ده را به یقین با ضعف اقتصادی آنان مربوط می‌دانست (همان: ۹۹-۹۸). حتی در جامعه عشایری اداره کوچک‌ترین واحد اجتماعی ایلات و عشایر که به عهده ریش-سفیدان است، این افراد (کدخدایان) افرادی متمکن و احياناً مسن‌تر و با تجربه‌تر نسبت به دیگران بودند (بخشنده نصر، ۱۳۸۴: ۱۴۸-۱۴۷)، امان‌الهی بهاروند نیز چنین جایگاهی را برای کدخدا قایل است (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۷۲). پیروزی انقلاب و شرایط بعد از آن زمینه حضور لایه‌هایی از افراد جامعه در مدیریت روستایی را فراهم ساخت که آنان اولاً از گروه‌های سنی پایین (جوانان)، سطح سواد کم و معمولاً از اقشار فرودست به حساب می‌آمدند. ثانیاً، این گروه هم تجربه لازم را نداشته و هم به لحاظ پایگاه اجتماعی و اقتصادی از مشروعیت کافی برخوردار نبوده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت مدیریت جدید، زمینه‌ها و توانایی لازم (طالب، ۱۳۷۱: ۹۶)، برای پذیرش مسئولیت جدید (چهل و هشت گانه) را نداشت. مطالعات انجام شده از سوی رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۶ و ۱۳۸۵)، عبدالهیان و همکاران (۱۳۸۵)، ایمانی جاجرمی (۱۳۸۲ و ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸)، مقیمی

(۱۳۸۶)، حسینی (۱۳۸۶)، آسایش و قنبری (۱۳۸۷)، بدری و عارف موسوی (۱۳۸۸)، افراخته (۱۳۸۸)، حمیدیان (۱۳۹۰)، بریمانی و همکاران (۱۳۹۳) و ... به نوعی این دغدغه را بیان داشته‌اند. پژوهش حاضر در راستای این مسئله مهم و در روند حکمروایی بایسته و با تکیه بر این سؤال «آیا عملکرد دهیاران بر اساس پایگاه اجتماعی آنان در دهستان حسن‌آباد از توابع شهرستان اسلام‌آباد غرب متفاوت است؟ و فرضیه زیر انجام می‌گیرد.

• بین پایگاه اجتماعی دهیاران و میزان رضایت از عملکرد آنان در محدوده مورد مطالعه تفاوت معنی داری وجود دارد.

مبانی نظری تحقیق:

مدیر به با توجه به پیشینه تاریخی آن، در حوزه روستایی یادآور شخصیت حقیقی و حقوقی "کدخدا" است. حسینی ابری با تکیه بر فرهنگ‌های مختلف و منابع متعدد نظیر فرهنگ جهانگیری (۱۳۵۱)، آندراج (۱۳۳۵)، دهخدا (۱۳۴۳)، معین (۱۳۵۲)، تاریخ بیهقی (۲۵۳۶)، و... معتقد است: کدخدا در ادب فارسی به عنوان فردی دانا، خردمند و رتق و فتق کننده امور جامعه است (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۹۱-۱۰۰). از سویی، "هاف استد" بر این باور است که امروزه بیشتر تئوری‌های مدیریت، قوم-گرا هستند یعنی در آنها محیط فرهنگی مسلم و بدیهی فرض شده است (راگونات، ۱۳۸۸: ۴۵). همچنین بنا بر تفکیک محیط-های شخصی، زمینه‌ساز و پدیداری (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۱۵-۱۱۲ و پوراحمد، ۱۳۸۵: ۱۷۴-۱۷۰)، به صورت زیر:

اولاً؛ پایگاه اجتماعی به عنوان بخشی از محیط شخصی، همان موقعیت اجتماعی و جایگاهی است که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه، در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند (کونن، ۱۳۷۶: ۸۳)، ثانیاً؛ مراحل چرخه زندگی بر اساس سن، پایگاه خانوادگی، سطح و شیوه زندگی لایه یا طبقه اول، دوم و سوم، نیز به عنوان بخشی از محیط زمینه‌ساز بر ادراک و نهایتاً عملکرد فرد (مدیر یا دهیار)، تأثیرگذار است.

با توجه به موضوع مورد بحث در این مقاله، و محیط‌های یاد شده، با تکیه بر آموزه‌های ادب فارسی (محیط فرهنگی)، می‌توان چهارچوب نظری این پژوهش را از عبارت کوتاه زیر استخراج کرد:

"توانا بود هر که دانا بود."

فردوسی در باره نقش آفرینی دانایی می‌گوید:

ز دانش در بی نیازی به جوی و گر چند سختیت آید به روی
 ز نادان بنالد دل سنک و کوه ازیرا ندارد برکس شکوه
 توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود.

در این محیط فرهنگی:

نه تنها، دانایی منشاء قدرت (توانایی یا اقتدار) است. بلکه، دانایی موجب مقبولیت (عزت و شکوه) هم هست. از همین منظر، "توانایی یا اقتدار" و "مقبولیت" کدخدای "دیروز" و "دهیار" امروز را باید در "دانایی" جستجو کرد. از ویژگی دیگر اما مهم یک فرد برای احراز مدیریت، "بی نیازی (ثروت)" است. ثروت تعیین کننده منزلت اجتماعی و تأمین کننده قدرت او است. این قاعده در هر مقیاسی از مدیریت حتی خرد (روستا)، نیز قابل تعمیم است، زیرا در روستا نیز مدیر نیز نمی‌توانست فاقد قدرت اقتصادی باشد، که معمولاً این قدرت اقتصادی کدخداها در گذشته، از راه نمایندگی مالک، نمایندگی دولت و در اختیار داشتن سهم بیشتر از عوامل تولید نسبت به دیگر اهالی ده به دست می‌آمد: (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۹۷). اما در زبان جکیم فردوسی، خاستگاه این قدرت (بی نیازی)، در دانایی است. شواهد موجود از ویژگی‌های فردی کدخداها نشان می‌دهد، آنان این برتری در دانایی را در سایه آشنایی به محیط روستا و تجربه در کشت و کار به دست می‌آوردند، و سعدی نیز به رابطه ثروت و قدرت و مقبولیت (منزلت اجتماعی) اشارت دارد:

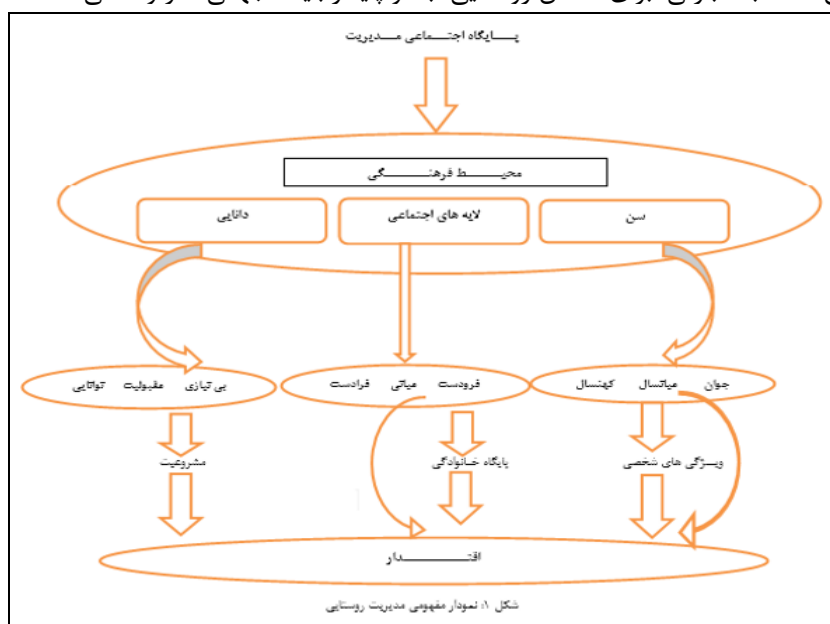
هر کرا زر در ترازوست زور در بازوست

وانکه بر دینار دسترس ندارد در همه دنیا کس ندارد.

از این منظر، در سده اخیر نیز نقش "لایه یا طبقه متوسط (معمولاً برای جامعه شهری بکار برده می‌شود)" مطرح گردید. این لایه یا قشر متوسط، به دلیل پایگاه اجتماعی و اقتصادی خود می‌تواند به عنوان گروه‌های پیشرو در ایجاد تحول و مدیریت

نقش آفرین باشند. شرایط سنی به عنوان ویژگی سوم، نیز تسهیل کننده پایگاه اجتماعی است زیرا کهن کار یا کهن سال که به استعاره ریش سفید یا شیخ هم گفته می‌شود به مجموعه‌ای از صفات نیک آراسته است، به تعبیری، «الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ»؛ پیر در میان اهلس، همانند پیامبر میان امتش است (امام صادق "ع").

در این قوم‌گرایی از مدیریت، دانش، ثروت و مقبولیت ناشی از تجربه و شرایط سنی لازمه قدرت اجرایی در هر مقیاس از مدیریت خرد و کلان است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت، پایگاه اجتماعی و اقتصادی دهیاران، در عملکرد آنان از یک سو و رضایتمندی روستاییان از سوی دیگر مؤثر است. این نوع نگرش، از جهاتی، در چهارچوب «جامع‌گرایی و تحلیل خرد» (فکوهی، ۱۳۸۳: ۳۶) قابل دفاع است. به عبارتی، برای داشتن روستایی آباد و پایدار باید «جهانی فکر و محلی (منطقه‌ای) عمل کرد».



روش تحقیق:

برابر آخرین تقسیمات سیاسی کشور دهستان حسن‌آباد دارای ۲۲ روستا است، لیکن در این پژوهش تنها ۱۱ روستای بالای ۵۰ خانوار که دارای ۱۱ دهیاری پاره وقت بوده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تعداد جامعه آماری ۱۵۳۷ سرپرست خانوار از ۱۱ روستا است. برای بدست آوردن تعداد نمونه نیز از فرمول تعدیل شده کوکران (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۲). با خطای استاندارد ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده شده است. بر اساس آن، ۲۶۷ سرپرست خانوار به عنوان نمونه آماری و به صورت تصادفی ساده جهت بررسی میزان رضایتمندی از عملکرد دهیاران به شرح ذیل محاسبه گردید:

$$N = \frac{\sum p_i q_i}{1 + \frac{\sum p_i q_i}{d^2} - 1} \Rightarrow n = \frac{1.96^2 * 0.7 * 0.3}{1 + \frac{1.96^2 * 0.7 * 0.3}{1537 * 0.05^2} - 1} = 267$$

نوع تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، ضمن بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای از پرسشنامه محقق ساخته برای مطالعات میدانی استفاده شده است، که روایی پرسشنامه نیز بر پایه عوامل و مؤلفه‌های شناسایی شده در پیشینه پژوهش و دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان برنامه‌ریزی روستایی انجام گرفت. برای پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد و با مقدار ۰.۹۰ روابط بین گویه‌ها مورد تأیید قرار گرفت. که نه تنها نشان دهنده پایایی بسیار بالا پرسشنامه بلکه دقت ابزار گردآوری داده‌ها نیز هست. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس (Anova) به منظور مقایسه و دستیابی به این مهم که آیا تفاوت بین میانگین‌های دو گرو آماری معنی‌دار هست یا نه استفاده گردید (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۱۸). (جدول شماره ۱).

جدول ۱- پایایی محاسبه شده بر اساس آلفای کرونباخ

تعداد	آلفای کرونباخ استاندارد شده	آلفای کرونباخ
۸۰	.۹۰	.۹۰۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

منطقه مورد مطالعه:

شهرستان اسلام‌آباد غرب بین مدار ۳۲ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۴۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۵۹ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است (فرمانداری اسلام‌آباد غرب، ۱۳۸۴:۶). در این میان دهستان حسن‌آباد در تقسیمات کشوری ۱۳۸۵ یکی از ۷ دهستان شهرستان اسلام‌آباد غرب می‌باشد و در فاصله ۱۵ کیلومتری شمال‌شرقی شهر اسلام‌آباد و ۴۰ کیلومتری کرمانشاه قرار گرفته است (مهندسین مشاور سبز اندیشه، ۱۳۸۷:۴۱).

یافته‌های تحقیق:

سن و سواد دهیاران: دهیاران بر اساس سن و سواد به چهار گروه طبقه‌بندی شده‌اند. بر اساس جدول شماره ۲، سهم گروه‌های سنی ۳۰-۴۰ با ۳۶,۴ درصد بیش از دیگر گروه‌های سنی است، اما دهیارانی که دارای مدرک دیپلم و کمتر آن هستند بیش از ۷۲,۸ درصد از دهیاران را شامل می‌شود. مقایسه این دو شاخص مدیریتی نشان می‌دهد، در انتخاب دهیاران، به چابکی در سن توجه شده است زیرا دهیاران بازوی اجرایی شورا محسوب می‌شوند، و به سواد هم بی‌توجه نبوده‌اند، لیکن در منطقه مورد مطالعه افرادی که دارای مدرک لیسانس و بالاتر باشد، کم بوده است.

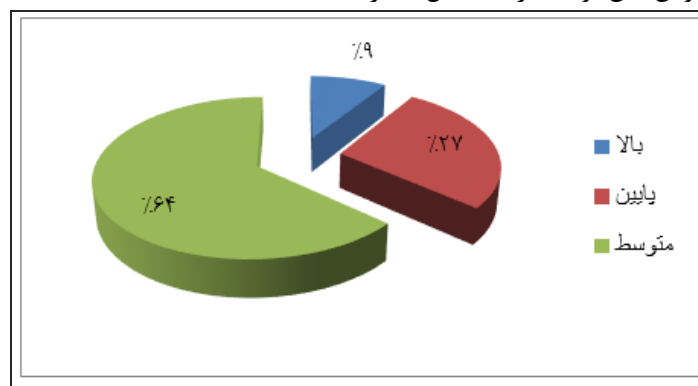
جدول ۲- سن و سواد دهیاران

گروه‌های سنی	تعداد	درصد	سطح سواد	تعداد	درصد
۲۰-۲۹	۲	۱۸,۲	کمتر از دیپلم	۴	۳۶,۴
۳۰-۳۹	۴	۳۶,۴	دیپلم	۱	۹
۴۰-۴۹	۳	۲۷,۲	فوق دیپلم	۲	۱۸,۲
۵۰ و بیشتر	۲	۱۸,۲	لیسانس	۱۱	۱۰۰
مجموع	۱۱	۱۰۰	---		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

منزلت اجتماعی دهیاران:

از لحاظ قشربندی اجتماعی، دهیاران به سه گروه قشر بالا، متوسط و پایین طبقه‌بندی شده‌اند، که بیشترین دهیاران در گروه قشر متوسط (۶۴ درصد) قرار دارند. این نتایج نشان می‌دهد اعضا شورا در انتخاب دهیاران به مقبولیت این لایه اجتماعی در میان مردم و نقش‌آفرین بودن آنان توجه دارند. (شکل شماره ۲).



شکل ۲ - منزلت اجتماعی دهیاران

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

• بین پایگاه اجتماعی دهیاران و میزان رضایت از عملکرد آنان تفاوت معناداری وجود دارد. برای آزمون این تفاوت از سه متغیر سن، سواد و منزلت اجتماعی استفاده شد، و برای هر یک فرضیه جداگانه‌ای تدوین گردید: الف- تفاوت معنی‌داری بین عملکرد و سن دهیاران وجود دارد. در اینجا رابطه به شکل زیر نشان داده می‌شود:

H_0 : عدم وجود تفاوت

H_1 : وجود تفاوت

برابر جدول شماره ۳، F محاسبه شده برای سن دهیاران در دو جامعه ۸,۳۰۸ است. چون $Sig(P < 0/01)$ است. با ۹۹ درصد اطمینان، در عملکرد دهیاران بر اساس سن تفاوت وجود (H_1) دارد، و فرض مقابل مبنی بر عدم وجود تفاوت (H_0) رد می‌گردد.

جدول ۳- تفاوت عملکرد دهیاران بر اساس سن

منبع تغییر	S_s	M_s	DF	F	Sig
بین گروهی	۱۰/۷۶۶	۳/۵۸۹	۳	۸/۳۰۸	۰/۰۰۰
درون گروهی	۱۱۳/۵۹۶	۰/۴۳۲	۲۶۳		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

بر اساس جدول شماره ۴، تفاوت معنی‌داری در عملکرد دهیاران به لحاظ سن در درون و بیرون گروه‌های سنی مشاهده می‌شود. گرچه بین میانگین مطلوب (۳) و میانگین محاسبه شده در گروه‌های سنی ۳۰-۲۰ و بیشتر از ۵۰ سال تفاوت چندانی نیست، اما می‌توان بر اساس میانگین محاسبه شده به این نتیجه رسید که عملکرد دهیاران در گروه‌های سنی ۳۰-۴۰ سال، با میانگین ۳,۲۰، نسبت به بقیه گروه‌های سنی بهتر (بیشتر) ارزیابی شده است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض ادعا (H_1)، مبنی بر وجود تفاوت بلحاظ عملکردی بر اساس شرایط سنی تأیید و فرض مقابل، یعنی عدم وجود تفاوت (H_0) در بین گروه‌های سنی رد می‌شود. در مطالعات میدانی، اعضای شورا دلیل این امر را چنین ابراز داشته‌اند؛ این گروه‌های سنی ۴۰-۳۰ سال علاوه بر پختگی نسبی، از چابکی لازم برای انجام وظایف برخوردار هستند.

جدول ۴- تفاوت عملکرد دهیاران بر اساس سن بر حسب آزمون تحلیل واریانس ($Anova$)

گروه‌های سنی	میانگین	انحراف معیار	سطح معنی‌داری ۰/۹۹		حداقل	حداکثر
			کرانه بالا	کرانه پایین		
۲۹-۲۰	۸۳.۲	۶۵۷.	۷۰.۲	۷۰.۲	۱	۴
۳۹-۳۰	۳,۲۰	۷۷۹.	۳,۰۱	۳,۰۱	۱	۵
۴۹-۴۰	۶۵.۲	۵۴۹.	۵۲.۲	۵۲.۲	۲	۴
۵۰ و بیشتر	۹۴.۲	۶۱۰.	۶۹.۲	۶۹.۲	۱	۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

• تفاوت معنی‌داری بین عملکرد دهیاران بر اساس وضعیت سواد وجود دارد.

H_0 : عدم وجود تفاوت

H_1 : وجود تفاوت

بر اساس داده‌های جدول شماره نشان می‌دهد، F محاسبه شده برای سواد دهیاران (۹,۹۱۸) است. چون سطح معنی‌داری ($P < 0/01$) است. با ۹۹ درصد اطمینان، در عملکرد دهیاران به لحاظ سواد تفاوت وجود دارد. بنابراین فرض ادعا (H_1)، مبنی بر وجود تفاوت بلحاظ عملکردی بر اساس شرایط سنی تأیید و فرض مقابل، عدم وجود تفاوت (H_0) رد می‌شود.

جدول ۵- تفاوت عملکرد دهیاران بر اساس سواد

منبع تغییر	S_s	M_S	DF	F	Sig
بین گروهی	۱۲/۶۳۹	۴/۲۱۳	۳	۹/۹۱۸	۰/۰۰۰
درون گروهی	۱۱۱/۷۲۳	۰/۴۲۵	۲۶۳		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

بر اساس فرضیه بالا، چنانچه میانگین محاسبه شده بیش از میانگین مطلوب (۳) باشد تفاوت معنی‌داری بین دهیاران بر اساس میزان تحصیل وجود دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد، میانگین محاسبه شده در کلیه مقاطع تحصیلی کمتر از میانگین مطلوب است. در ابتدا چنین به نظر می‌رسد تفاوت معنی دار در عملکرد دهیاران مشاهده نمی‌شود، اما به دلیل اینکه میانگین محاسبه شده برای دهیارانی که دارای مدرک لیسانس هستند بیش‌تر از میانگین مطلوب است، می‌توان ادعا کرد اولاً، اختلاف معنی‌دار هست. ثانیاً با افزایش سطح تحصیل عملکرد دهیاران بهبود می‌یابد. بنابراین در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض ادعا (H_1)، مبنی بر وجود تفاوت بلحاظ عملکردی بر اساس وضعیت تحصیلی تأیید و فرض مقابل (H_0) مبنی بر عدم تفاوت رد می‌شود. (جدول شماره ۶).

جدول ۶- تفاوت عملکرد دهیاران بر اساس سواد بر حسب آزمون تحلیل واریانس (Anova)

سطح معنی داری ۰.۹۹	حد اکثر	حداقل	سطح معنی داری ۰.۹۹		انحراف معیار	میانگین	سطح سواد
			کرانه بالا	کرانه پایین			
۲	۲	۲	۲/۷۸	۲/۵۲	۰/۰۶۴	۲/۶۵	کمتر از دیپلم
۱	۱	۱	۲/۹۶	۲/۷۲	۰/۰۶۱	۲/۸۴	دیپلم
۱	۱	۱	۳/۲	۲/۶۹	۰/۱۲۹	۲/۹۵	فوق دیپلم
۲	۲	۲	۳/۵۴	۳/۰۹	۰/۱۱۱	۳/۳۲	لیسانس

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

ج- تفاوت معنی داری بین عملکرد دهیاران بر اساس قشر بندی اجتماعی وجود دارد.

H_0 : عدم وجود تفاوت

H_1 : وجود تفاوت

در این پژوهش منزلت اجتماعی دهیاران در سه لایه پایین، متوسط و بالا در نظر گرفته شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، عملکرد دهیاران بر اساس منزلت اجتماعی (قشر بندی اجتماعی) آنان متفاوت بوده است. زیرا مقدار آماره F محاسبه شده برابر ۳،۱۱۴ است، و سطح معنی‌داری نیز کمتر از ۰/۰۵. یعنی ۰/۰۴۶ محاسبه گردید. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض ادعا (H_1)، مبنی بر وجود تفاوت در عملکرد دهیاران بر اساس جایگاه آنان در لایه‌های اجتماعی پذیرفته می‌گردد و فرض مقابل (H_0)، مبنی بر عدم وجود تفاوت رد می‌گردد. (جدول شماره ۷).

جدول ۷- تفاوت عملکرد دهیاران بر اساس قشر بندی اجتماعی

منبع تغییر	S_s	M_S	DF	F	Sig
بین گروهی	۲/۸۶۶	۱/۴۳۳	۲	۳/۱۱۴	۰/۰۴۶
درون گروهی	۱۲۱/۳۶۲	۰/۴۶۰	۲۶۴		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

اما نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد، میانگین محاسبه شده تمامی لایه‌ها (قشر) از میانگین مطلوب (۳)، کمتر است، یعنی نباید در عملکرد دهیاران بر اساس قشر بندی تفاوت معنی‌داری وجود داشته باشد لیکن با تعمق در میانگین محاسبه شده

و مقایسه آنها با میانگین مطلوب مشاهده می‌شود ارقام خیلی به نزدیک هستند، به ویژه قشر متوسط (۲,۹۵) که به نسبت دیگر لایه‌ها، به میانگین مطلوب (۳)، نزدیک‌تر است، از این رو می‌توان نتیجه گرفت، دهیارانی که در لایه‌های اجتماعی متوسط قرار دارند، در قیاس با دیگر لایه‌های اجتماعی از عملکرد بهتری (بیشتری) برخوردار هستند. (جدول شماره ۸).

جدول ۸- تفاوت عملکرد دهیاران بر اساس قشربندی اجتماعی بر حسب آزمون تحلیل واریانس (Anova)

قشربندی اجتماعی	میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری ۰.۰۵		حداقل	حداکثر
			کرانه بالا	کرانه پایین		
قشر پایین	۲/۹۳	۰/۰۵۵	۲/۸۳	۳/۰۴	۱	۵
قشر متوسط	۲/۹۵	۰/۱۲۹	۲/۶۹	۳/۲۲	۱	۴
قشر بالا	۲/۷۰	۰/۰۶۷	۲/۵۶	۲/۸۳	۲	۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

نتیجه‌گیری:

با گذار از مدیریت دولتی به مدیریت حکمروایی، یکپارچگی لازم در مدیریت روستایی از بین رفت و این تغییر و دگرگونی بوجود آمده با دل‌نگرانی‌هایی همراه بود، مبنی بر اینکه آیا حضور گروه‌های سنی بویژه جوانان با میزانی از تحصیلات، همچنین اقشار مختلف اجتماعی در مدیریت نوین روستایی می‌تواند یکپارگی از دست رفته را باز گرداند، و سبب کارآمدی مدیریت شورایی شود؟ مدیریتی که بعضاً مترادف با توسعه روستایی به شمار می‌آید. در این پژوهش ابتدا فرضیه «بین پایگاه اجتماعی دهیاران و میزان رضایت از عملکرد آنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد»، مطرح گردید. برای آزمون فرضیه، متغیرهایی نظیر سن، سواد و قشربندی دهیاران (لایه‌های پایین، متوسط و بالا) در نظر گرفته شد. به این معنی که سه متغیر سن، سواد، و لایه‌ها (قشربندی) اجتماعی دهیاران به عنوان محیط‌های شخصی و زمینه‌ساز شناخته شده‌اند. بدین منظور یافته‌های تحقیق نشان داد:

اولاً؛ تفاوت معنی‌داری بین سن و عملکرد دهیاران وجود دارد. این تفاوت هم بین اعضاء یک گروه و هم بین دو گروه مشاهده می‌شود. علاوه بر آن، دهیارانی که در گروه‌های سنی ۳۰-۳۴ قرار دارند؛ نسبت به دیگر گروه‌های سنی از عملکرد بهتری (بیشتری) برخوردار هستند.

ثانیاً؛ بین سطح سواد و عملکرد دهیاران نیز این تفاوت معنی‌دار بوده است. البته هر چه میزان سواد دهیاران بیشتر شده وضعیت عملکرد آنان بهتر ارزیابی شده است. به عبارتی دهیاران با مدرک لیسانس نسبت به بقیه دهیاران با مدرک کمتر از لیسانس کارآمدتر بوده‌اند. این نتایج از پژوهش با یافته‌های حسنی ابری (۱۳۸۰)، رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۶)، بریمانی و همکاران (۱۳۹۴) به نوعی همسویی دارد، بدین مفهوم که کم سواد و سنین کم اعضا شورا و دهیاران یکی از چالش‌های پیش روی مدیریت نوین است. در مقابل می‌توان گفت، دهیارانی که سن و سواد بیشتری دارند، از سوی مردم، اقبال بیشتری دارند، و این امر به نوبه خود در کارایی آنان اثر بیشتری دارد. همچنین این یافته‌ها، در چهارچوب مبانی نظری با نظر هاف استد از مدیریت قوم‌گرا که تحت تأثیر محیط فرهنگی است معنی پیدا می‌کند، و آموزه‌های موجود در ادب فارسی به ویژه سخن حکیم فردوسی نیز آن را تأیید می‌کند.

ثالثاً؛ بین قشربندی اجتماعی و عملکرد دهیاران نیز تفاوت معنی‌دار بوده است. بدین معنی که لایه‌های اجتماعی پایین و لایه‌های اجتماعی بالا، در انجام وظیفه خود توفیق کمتری دارند، اما عملکرد لایه‌های اجتماعی متوسط بهتر ارزیابی شده است. این نتایج با نقش لایه‌های متوسط جامعه که عمدتاً در جنبش‌های اجتماعی و مدیریت نقش‌آفرین بوده و هستند و معمولاً به عنوان گروه‌های پیش رو مطرح می‌شوند، تطابق دارد. البته عدم پذیرش قشرهای بالا از سوی مردم تا حدودی ناشی از عملکرد آنان در قبل از انقلاب از یک سو و گرایش انقلاب به اقشار فرودست و متوسط از سوی دیگر است. سخن شیخ سعدی نیز بر وجود رابطه بین زر (توانمندی) و زور به مفهوم اقتدار در نظام مدیریت تأکید دارد. سخن آخر اینکه مدیر چه در مقیاس کلان

(جهانی) و یا خرد (روستا) نیازمند به داشتن خرد و دانایی، بی‌نیازی، مقبولیت و مشروعیت و توانایی و اقتدار است، و همه آن شاخص‌ها در این عبارت کوتاه "توانا بود هر که دانا بود" قابل جمع است.

منابع و مأخذ:

۱. آسایش، حسین و نوذر قنبری (۱۳۸۷): مدیریت روستایی ایران (اصول، مبانی و مفاهیم کاربردی)، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، چاپ اول، کرمانشاه.
۲. افراخته، حسن (۱۳۸۸): مدیریت روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات گنج، چاپ اول، تهران.
۳. امان الهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۰): کوچ نشینی در ایران پژوهشی درباره عشایر و ایلات، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، تهران.
۴. ایمانی جاجرمی، حسین و علیرضا کریمی (۱۳۸۸): «چالش‌های اجتماعی شورای اسلامی روستا در مدیریت محلی»، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۱، تهران، صص ۶۵-۸۸.
۵. بخشنده نصرت، عباس (۱۳۸۴): کوچ و کچندگی در ایران، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، چاپ اول، تهران.
۶. بدری، سید علی و عارف موسوی (۱۳۸۸): مدیریت نوین روستایی، انتشارات فرهنگی اشتیاق نور، چاپ اول، تهران.
۷. بریمانی، فرامرز و همکاران (۱۳۹۳): «بررسی عملکرد شورای اسلامی روستایی در ایران»، مجموعه مقالات همایش ملی چشم انداز توسعه پایدار روستایی در برنامه ششم توسعه کشور، تهران.
۸. پوراحمد، احمد (۱۳۸۵): قلمرو و فلسفه جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
۹. تارمه، مهندسین مشاور سبز اندیشه (۱۳۸۷): گزارش بازنگری طرح هادی روستای «حسن آباد» دهستان حسن آباد، بخش مرکزی، شهرستان اسلام آباد غرب.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۸): مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران.
۱۱. حسینی ابری، سیدحسین (۱۳۸۰): مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، اصفهان.
۱۲. حسینی، سمیرا (۱۳۸۶): «بررسی میزان تحصیلات اعضای شوراهای اسلامی»، ماهنامه شوراها، شماره ۱۳، تهران.
۱۳. حقیقی، محمدعلی (۱۳۸۷): تئوریهای مدیریت، نشر نقش مهر، چاپ اول، تهران.
۱۴. حمیدیان، علرضا (۱۳۹۰): سیر تحول مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه حکیم سبزواری، چاپ اول، سبزوار.
۱۵. راگونات (۱۳۸۸): مدیریت تطبیقی، مترجم: عباس منوریان، مؤسسه کتاب مهربان نشر، چاپ سوم، تهران.
۱۶. رکن‌الدین افتخاری، و همکاران (۱۳۸۶): «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار»، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲، تهران، صص ۳۰-۱.
۱۷. سعدی شیرازی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۸۸): کلیات سعدی، تصحیح و بازبینی نظام‌الدین نوری بر اساس نسخه محمد علی فروغی، انتشارات کتاب آبان، تهران.
۱۸. شکویی، حسین (۱۳۷۸): اندیشه نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، چاپ دوم، تهران.
۱۹. طالب، مهدی (۱۳۷۱): مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
۲۰. عبدالهیان و همکاران (۱۳۸۵): «اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران بر اساس عوامل تأثیرگذار بر فرایند مدیریت در روستاهای ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه مدیریت، تهران، صص ۲۲۷-۲۶۷.
۲۱. فرمانداری شهرستان اسلام آباد غرب (۱۳۸۴): طرح توسعه راهبردی شهرستان اسلام آباد غرب، استانداری کرمانشاه.
۲۲. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۱۴): شاهنامه، به کوشش سعید نفیسی، چاپ اول، تهران.
۲۳. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳): انسان شناسی شهری، نشر نی، چاپ اول، تهران.

۲۴. قدیری معصوم، مجتبی و وحید ریاحی (۱۳۸۳): «بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۲۷، تهران.
۲۵. کلانتری، خلیل (۱۳۸۲): پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. کوئن، بروس (۱۳۷۶): مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلام عباس توسلی و رضا فاضل، انتشارات سمت، چاپ نهم، تهران.
۲۷. مقیمی، محمد (۱۳۸۶): اداره امور حکومت‌های محلی، مدیریت شوراها و شهرداریها، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ دوم، تهران.
۲۸. معاونت امور دهیاری‌ها، دفتر طرح برنامه (۱۳۸۳): مجموع قوانین و مقررات دهیاری‌ها، سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
۲۹. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶): نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن شهرستان اسلام آباد غرب، تهران.
۳۰. وزارت جهادسازندگی (۱۳۶۵): مشارکت مردمی، ماهنامه جهاد، شماره ۲۳، تهران.

31. www.Nadir.Ir

32. www.sci.org.ir